

صفحات ۱۸۲ - ۱۶۱

## بازنگری رکن روانی جرم در جرائم زیستی و نگاه اسلام به آن

سید محمود میر خلیلی<sup>۱</sup>

ابوذر سالاری فر<sup>۲</sup>

### چکیده

با توجه به آثار زیانبار جرائم زیست محیطی، حقوق‌دانان به دنبال راهکارهایی هستند که این آثار زیانبار را تا حدود زیادی کاهش داده و باعث بازدارندگی بیشتر در این جرائم گردد. از جمله تحولاتی که در زمینه جرائم زیست محیطی در برخی از نظام‌های حقوقی در دنیا ایجاد گردیده است، تحول در مفهوم تقصیر و رکن روانی است؛ به گونه‌ای که امروزه در بسیاری از موارد در جرائم زیست محیطی، مسئولیت اعم از حقوقی و کیفری بدون نیاز به احراز تقصیر و رکن روانی بر مرتکب بار می‌گردد. مسئولیت بدون تقصیر که به اشکال مختلفی در ادبیات حقوقی منعکس گردیده است، به نادیده گرفتن و یا مفروض قلمداد نمودن تقصیر و رکن روانی اشاره داشته و با قابلیت سرزنش پذیری مرتکب ارتباط دارد. اگرچه اصل برائت اقتضا دارد تا رکن روانی جرم نیز همانند ارکان دیگر جرم، اثبات گردد، لیکن در جرائم زیست محیطی، با توجه به اهمیت این جرائم و خسارات غیرقابل جبران در این زمینه پس از ارتکاب جرم و به دلیل افزایش ریسک ارتکاب جرم، باعث افزایش نظارت‌ها و به نوعی افزایش بازدارندگی خواهد بود و با اصول پذیرفته شده در حقوق محیط زیست همانند اصل احتیاط، اصل پیشگیری، اصل پرداخت توسط آلوده ساز و اصل جبران خسارت هماهنگ است.

### واژگان کلیدی

تقصیر، مسئولیت مطلق، جرم زیست محیطی، رکن روانی جرم، رکن معنوی جرم

۱ - دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم، قم، ایران

Email: mirkhalili@ut.ac.ir

۲ - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: A.salarifar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۸/۱۵

## طرح مسأله

محیط زیست و اجزای آن از دیر باز مورد توجه بشر بوده اند و بشر به آن نیازمند بوده است. با توجه به تحولات تاریخی و پیشرفت تمدن‌های بشری، محیط زیست نیز دچار تغییر و تحول گردیده است؛ امروزه مسئله محیط‌زیست، یک مسئله بسیار مهم و حیاتی برای بشریت، محسوب می‌گردد، به گونه‌ای که در غالب جوامع، سیاستمداران عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری، به دنبال راه‌حل‌های چندبعدی برای حل مسائل و مشکلات پیرامون این ارزش مهم حیات بشری هستند. امروزه به دلایل متعدد و مختلف محیط‌زیست در ابعاد مختلف مورد توجه انسان‌ها قرار گرفته است و مسئله محیط‌زیست و حفظ آن جزء حیاتی‌ترین و مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها و مردم در جوامع مختلف قرار گرفته است. از آنجائیکه بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از اقدامات آلاینده یک مسئله فراگیر در سطح داخلی و بین‌المللی می‌باشد، نهادهای داخلی و سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل متحد تلاش خود را برای یافتن راه‌حلی باهدف حمایت از محیط‌زیست، کاهش میزان آلودگی و کاهش صدمات وارده به آن آغاز نموده‌اند Kiss & (Shelton.1991,P.37.

علاوه بر اینکه در سطح بین‌المللی تلاش فراوانی در جهت تدوین مقرراتی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از اقدامات آسیب‌زا علیه محیط‌زیست، صورت گرفته است، در سطح داخلی نیز می‌توان گفت دولت‌ها تلاش فراوانی بر اقدامات مناسب در این زمینه داشته‌اند. برخی از این اقدامات در قلمرو اقدامات غیرحقوقی نظیر اقدامات فرهنگی، آموزشی و اقدامات حمایتی در قالب طرح‌های متنوع بوده و برخی دیگر از این اقدامات در قلمرو اقدامات حقوقی نظیر به رسمیت شناختن حق بر محیط‌زیست است. پاره‌ای از این اقدامات حقوقی غیر کیفری بوده و پاره‌ای دیگر در قالب اقدامات حقوقی قهرآمیز قرار می‌گیرند که همان اقدامات کیفری است. به‌عنوان نمونه مقنن ایرانی با تصویب قانون شکار در سال ۱۳۳۵ و قوانین و مقررات بعد از آن از جمله قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها ۱۳۵۹، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱، قانون حفاظت و بهره‌برداری

از منابع آبروی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و سایر مقررات، علاوه بر بیان مقررات کلی راجع به محیط‌زیست و ابعاد آن، پاره‌ای از رفتارهای مخرب محیط‌زیست را جرم‌انگاری نموده و برای آن حسب مورد یک یا چند پاسخ کیفری مانند جریمه نقدی، زندان و... تعیین نموده است.

در این راستا بحران‌هایی که امروزه در حوزه محیط‌زیست در بسیاری از جوامع به‌ویژه در جوامع و کشورهای کمتر توسعه‌یافته و یا در حال توسعه، ایجاد گردیده‌اند، ضرورت ایجاد یک نوع سیاست کیفری که با ابعاد و اهمیت این بحران‌ها متناسب باشد را برای سیاست‌گذاران حقوق کیفری ایجاد نموده است. از آنجایی که جرائم زیست محیطی دارای ویژگی‌هایی بوده که در بسیاری از موارد، چه از نظر شکل و چه از نظر ماهیت، اثبات و احراز آن را دچار مشکل می‌نماید، در این زمینه حقوق کیفری دست به تدوین مقررات و سیاست‌هایی نموده است که این سیاست‌ها ممکن است کمتر در سایر حوزه‌های جرم‌انگاری مورد توجه قرار گیرد و به عبارتی، قانون‌گذاران و به تبع آن‌ها سیستم قضایی به دنبال وضع راهکارها و سیاست‌های تقنینی و قضایی افتراقی در حوزه محیط‌زیست، نسبت به سایر حوزه‌ها هستند. یکی از این راهکارهای افتراقی که در کشورهای غربی در زمینه جرائم زیست محیطی مورد توجه قانون‌گذاران و دادگاه‌ها قرار گرفته است، پذیرش مسئولیت مطلق کیفری است که در آن رکن روانی جرم و احراز آن کم‌اهمیت شمرده می‌شود. در این مقاله به بررسی جایگاه مسئولیت مطلق کیفری در جرائم زیست محیطی پرداخته می‌شود.

### تحولات رکن روانی جرم (مسئولیت بدون تقصیر)

مسئولیت بدون تقصیر در واقع اصطلاحی است که به قابلیت سرزنش پذیری مرتکب جرم برمی‌گردد؛ حقوق‌دانان نظام کامان لا برداشت‌ها و نظرات متعدد و مختلفی را در مورد ماهیت و مفهوم مسئولیت مطلق بیان نموده‌اند؛ (برای نمونه ر. ک به: Gardner, 2007, P232. Husak, 1995, pp 199-223)

به هر حال مسئولیت مطلق کیفری یا مسئولیت بدون تقصیر، از نظر مفهومی و تنوع تعابیر دارای گونه‌های متعدد و بعضاً متفاوت است. بررسی این تعابیر در نهایت نشان‌دهنده

این موضوع است که حقوق دانان برای یافتن سطحی منطقی و عادلانه از مسئولیت کیفری و مسئولیت مطلق تلاش‌های فراوانی را انجام داده‌اند.

### **اقسام مسئولیت بدون تقصیر**

با توجه به اینکه مسئولیت مطلق دارای حالت‌های مختلفی است که گاه عنصر روانی به صورت کامل و گاه به صورت جزئی در آن حذف می‌گردد و گاه نیز عنصر روانی نادیده گرفته می‌شود، لذا در زیر این حالت‌ها را توضیح خواهیم داد:

### **حذف مطلق رکن روانی جرم**

در برخی از جرائم با توجه به اهمیت جرم و نوع ارزشی که ممکن است توسط آن جرم، نقض گردد، رکن روانی به صورت مطلق، ممکن است نادیده گرفته شود؛ در حالتی که عنصر روانی به صورت کامل حذف می‌شود، نه تنها عنصر روانی توسط قانون‌گذار نادیده گرفته می‌شود و می‌توان گفت از نظر مقنن عنصر روانی در این دسته از جرائم اهمیتی نداشته و فرض را بر فقدان عنصر روانی در نظر می‌گیرد، بلکه در عمل نیز ممکن است مرتکب جرم دارای هیچ‌گونه عنصر روانی نباشد. اصولاً در دسته‌ی کمی از جرائم ممکن است به هیچ‌کدام از اجزای رکن روانی برای اثبات مجرمیت نیاز نباشد و معمولاً اصل برائت ایجاب می‌نماید که در لاقفل در قسمتی از جرم باید رکن روانی اثبات و احراز گردد.

### **حذف جزئی رکن روانی**

در این نوع از مسئولیت بدون تقصیر، بخشی از رکن روانی نادیده گرفته می‌شود و تنها در یک قسمت نیاز است تا عنصر روانی توسط مقامات تعقیب و دادگاه اثبات و احراز گردد. با توجه به اینکه عنصر روانی از یک طرف دارای اجزای متعددی است، اجزایی همچون علم، اراده، قصد یا خطای جزایی. از طرف دیگر عنصر روانی نسبت به تمامی اجزای عنصر مادی مورد نیاز است؛ به عنوان مثال در علم موضوعی نه تنها علم نسبت به تمامی قسمت‌های موضوع، بلکه علم نسبت به شرایط و اوضاع و احوال و همچنین علم نسبت به نتیجه جرم مورد نیاز است. بنابراین در حالت دوم از مسئولیت مطلق همین که مقامات تعقیب یکی از اجزای عنصر روانی را احراز نمودند و یا حتی درجه پایین‌تری از عنصر روانی را

احراز نمودند، می‌توان گفت مسئولیت به فرد تحمیل خواهد شد. (Simester, 2005, pp 1-9) بنا بر این می‌توان این فرض را در چند حالت متصور کرد؛ در یک حالت از مجموع اجزای عنصر روانی کافی است که مقامات تعقیب فقط یکی از اجزا را ثابت نمایند و در فرض دیگر مقامات تعقیب لازم است سطح پایین‌تری از عنصر روانی جرم را اثبات نمایند مثلاً مسامحه. (عبداللهی، ۱۳۹۳، ص ۹۳-۱۱۵). برای توضیح هر کدام از فروض مذکور می‌توان مثلاًهایی را به این صورت مطرح نمود. مثلاً شخصی چمدانی را که تصور می‌کند درون آن مواد مخدر از نوع تریاک است، را حمل و نگهداری می‌کند اما بعد مشخص می‌گردد که درون آن چمدان، مواد مخدر از نوع هروئین است. با توجه به اینکه مواد مخدر از نوع تریاک در اغلب موارد از حیث حمل و نگهداری دارای مجازاتی کمتر از هروئین دارد، بنابراین اصولاً این فرد نسبت به مواد مخدر از نوع هروئین فاقد علم تلقی می‌گردد اما با توجه به فرض وجود قسمتی از عنصر روانی، می‌توان گفت چنین شخصی نسبت به حمل و نگهداری هروئین دارای مسئولیت خواهد بود و مجازات این نوع مواد بر وی تحمیل خواهد شد. در خصوص حالت دیگر یعنی جایی که نیاز است درجه پایین‌تری از عنصر روانی اثبات گردد، این مثال را می‌توان مطرح نمود که فرض کنید در همان مثال چمدان علم قطعی ندارد که محتوای درونی آن هروئین است اما با توجه به قرائنی که وجود دارد (مثلاً شخصی که پیشنهاد حمل این چمدان را داده است دارای سابقه حمل مواد می‌باشد) که حکایت از وجود مواد در درون چمدان را دارد ولیکن این قرائن چندان یقین‌آور نیستند. در چنین حالتی اگر این فرد این چمدان را حمل نماید در این رابطه مسئولیت مطلق به این صورت پیش‌بینی گردیده باشد، که حتی اگر درجه پایین‌تر عنصر روانی نیز اثبات گردد، برای محکومیت کفایت می‌کند، آنگاه حتی اگر علم مرتکب نسبت به وجود مواد مخدر در چمدان احراز نگردد ولیکن مسامحه وی احراز گردد، همین مسامحه برای محکومیت وی کافی است و این یک نوع مسئولیت مطلق محسوب می‌گردد. نکته شایان ذکر این است که نباید این مورد یا حالتی که فرد به دلیل خطای جزایی به یک جرم غیر عمدی محکوم می‌گردد را اشتباه گرفت، زیرا در این حالت با یک مسامحه یا غفلت جرم عمدی واقع می‌گردد و نه غیر عمدی. شاید در نظام

حقوقی ایران یکی از مصادیق مجرمانه که منطبق با این فرض باشد را بتوان ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مثال زد<sup>۱</sup> که اصطلاحاً به اشتباه در هویت، معروف است؛ لذا در موردی که شخصی با تصور به اینکه مقتول زید است وی را به قتل می‌رساند و بعد مشخص می‌شود زید نبوده و عمر است، می‌توان چنین موردی را از مصادیق اشتباه در هویت دانست و از نظر قانون‌گذار اشتباه در هویت باعث نمی‌گردد که قتل یا جنایت از حالت عمدی بودن خارج گردد؛ اگر به صورت دقیق ملاحظه گردد مشخص می‌گردد در اینجا آنچه از نظر قانون‌گذار اهمیت دارد علم به انسان بودن و یا به عبارت دیگر جسم و فیزیک مقتول است و همین مقدار در اینکه عمل مرتکب را عمدی تلقی کنیم کفایت می‌کند. و نیازمند این نیست که قاتل خصوصیت و هویت و اسم و رسم مقتول را هم بداند و در واقع هویت کلی مقتول صرف نظر از خصوصیت او برای قاتل مشخص و معیت است) پوربافرانی، ۱۳۹۲، ص ۷ و ۸).

### فرض کردن رکن روانی

یکی از مهم‌ترین حالت‌هایی که برای مسئولیت مطلق در نظر می‌گیرند در واقع موردی است که قانون‌گذار فرض را بر وجود تقصیر و یا عنصر روانی قرار می‌دهد که می‌توان از این حالت تحت عنوان «فرض وجود تقصیر» نیز یاد کرد. البته در بسیاری از مواردی که قانون‌گذار چنین فرض‌هایی را پیش‌بینی می‌کند، اجازه اثبات خلاف چنین فرضی را نیز به مرتکب می‌دهد و تنها در پاره‌ای از موارد و به شکل استثنایی است که امکان اثبات خلاف فرض تقصیر، امکان‌پذیر نیست (عبدالهی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰)

### دلایل حذف رکن روانی در جرائم زیست محیطی

قبل از اینکه از نحوه تغییر رکن روانی جرم و اعمال آن در جرائم زیست محیطی سخن گفته شود، بهتر است دلایل توجیهی مسئولیت بدون تقصیر در جرائم زیست محیطی، مورد بررسی قرار گیرد

۱ - ماده ۲۹۴: «اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود و در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر هر دو مشمول ماده ۳۰۲ این قانون نباشد، جنایت عمدی محسوب می‌شود».

### مسئولیت بدون تقصیر و اصول اساسی حاکم بر محیط زیست

نکته قابل تأمل در این رابطه این است که اگر چه شاید در هیچکدام از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه اینکه آیا می‌توان در راستای اعمال هریک از اصول حاکم بر محیط زیست، نهادی همچون مسئولیت مطلق تحمیل نمود یا خیر، هیچ‌گونه سخنی ذکر نگردیده باشد، لیکن از آنجایی که هر یک از این اصول با هدف و آثار خاصی تدوین و طراحی گردیده است به گونه‌ای که می‌توان با در نظر گرفتن مبانی و اهداف آن اصل، آن را به عنوان یکی از پشتوانه‌های مسئولیت مطلق در نظر گرفت، می‌توان به تجزیه و تحلیل هر یک از آنها پرداخت. در منابع مختلف حقوقی و به ویژه منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، برداشتهای مختلفی و متعددی از اصول اساسی حاکم بر محیط زیست وجود دارد، (برای نمونه مراجعه کنید به: روش، ۱۳۹۱، ص ۳۲ به بعد / کیس، ۱۳۹۲، ص ۶۹ به بعد / شیلتون، کیس، ۱۳۹۴، ص ۶۹ به بعد / ارب، وایت، ۱۳۹۴، ص ۶۸ به بعد). اما می‌توان گفت که مهمترین این اصول که به نوعی هم در کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی که در رابطه با محیط زیست به تصویب رسیده‌اند، ذکر شده است و هم به صورت اجماعی توسط حقوقدانان بیان گردیده است، عبارتند از: اصل احتیاطی، اصل پیشگیری، اصل مشارکتی و اصل پرداخت توسط آلوده ساز.

### مسئولیت مطلق محرکی بازدارنده در جرائم زیستی محیطی

تحقیقات نشان می‌دهد که پیش‌بینی و تحمیل مسئولیت مطلق در حوزه محیط زیست، می‌تواند در بسیاری از موارد به عنوان یک محرک بازدارنده در پیشگیری از جرائم زیست محیطی تلقی گردد؛ (Alberini, 1997, p.23.)

زیرا مسئولیت مطلق ریسک و هزینه ارتکاب جرم را بالا برده و به صورت غیر مستقیم عامل زیان را وادار می‌نماید تا با نظارت بیشتر و بازسی‌های متداول، وقوع جرم و خطر زیست محیطی را به حداقل برساند. در حوزه محیط زیست پذیرش مسولیت مطلق کیفری باید به معنای پذیرش مسولیت مطلق حقوقی نیز باشد. با پذیرش مسولیت مطلق در جرائم زیست محیطی علاوه بر کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از جلسات طولانی دادرسی و در راستای اصل سرعت و تأثیر گذاری اجرای مجازات در بازدارندگی در حوزه جرائم

زیست محیطی شهروندان و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی، مسولیت مطلق به عنوان یک محرک مهم این نهادها را تشویق یا وادار به بازدارندگی از این جرائم نموده، ضمن اینکه شهروندان را به سمت و سوی یک نهاد عدالت ترمیمی خارج از دادگاه سوق می‌دهد. یکی از راهکارهایی که می‌تواند به جا افتادن مسولیت مطلق کمک کند، مشارکت جمعی شهروندان و نیز تحمیل ساز و کارهای جبران کننده به جای مجازات است، لزوماً این ساز و کارها نیاز نیست حتماً مالی یا به صورت جبران خسارت مادی باشد، بلکه می‌تواند شامل ساز و کارهایی معنوی باشد، مثل کاشت درخت و بزرگ کردن آن تا پنج سال یا نگهداری حیوان یا انجام فعالیت تبلیغی به نفع محیط زیست یا عضویت پلیس افتخاری در محیط زیست. ممکن است این سؤال مطرح گردد، که آیا با یک ساز و کار اداری و یا جبران خسارت مدنی ولو به صورت تحمیل مسولیت مطلق یا محض نیز باشد، آیا هدف بازدارندگی حاصل نمی‌گردد که لزوماً نیازمند تحمیل مسولیت مطلق کیفی باشیم؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که در بسیاری از موارد اشخاص حقیقی یا حقوقی با تحمیل مسولیت کیفی و مجازات، اطاعت بیشتری خواهند داشت و چنین قواعدی به شکلی بهتر پشتکار و دقت این اشخاص را در جلوگیری از ورود خسارت به محیط زیست، افزایش خواهد داد؛ به عبارت دقیق‌تر «حقوق جزا همواره یکی از مکانیزم‌های سنتی کنترل اجتماعی و جلوگیری از ضرر بوده است». (کلارکسون، ۱۳۹۰، ص ۲۱۵) البته این مساله که لزوماً در تمامی جرائم زیست محیطی، مسولیت مطلق می‌تواند منجر به افزایش بازدارندگی و پیشگیری از وقوع جرائم زیست محیطی می‌گردد، نمی‌تواند قابل قبول باشد و به همین دلیل نباید تصور گردد که مسولیت مطلق در تمامی جرائم زیست محیطی می‌تواند محرک و عاملی بازدارنده و مثبت ارزیابی گردد، بلکه این نهاد در موارد خود، که در ادامه توضیح داده خواهد شد می‌تواند به عنوان یک محرک قابل قبول که باعث پیشگیری از وقوع جرائم زیست محیطی می‌گردد، در نظر گرفته شود. به عنوان مثال بر اساس تحقیقاتی که انجام گردیده است، محققین به این نتیجه رسیده‌اند که رژیم مسولیت مطلق در خصوص شرکتهایی که در حوزه محیط زیست ممکن است آلودگی زیست محیطی ایجاد نمایند، تنها شرکت‌های بزرگ هستند که به دلیل بیم تبدیل شدن به یک



شرکت کوچکتر و یا تحمیل مسئولیت مطلق و تحمیل هزینه‌های هنگفت، ممکن است از ارتکاب جرائم مرتبط خودداری نموده و احتیاطات لازم و ضروری را انجام دهند و معمولاً شرکت‌های کوچک در عمل از حبث تحمیل مسئولیت مطلق به عنوان یک عامل بازدارنده، چندان اثر رضایتبخشی بر روی آنها نخواهد داشت. (Alberini, 1997, p.23.)

یا اینکه می‌توان گفت زمانی مسئولیت مطلق کیفری می‌تواند به عنوان یک محرک بازدارنده مناسب در جهت جلوگیری از جرائم زیست محیطی به کار رود، که این رژیم برای فعالیت‌های کاملاً خطرناک زیست محیطی مورد استفاده قرار گیرد. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که به هر حال در تحمیل مسئولیت مطلق یا مسئولیت بدون تقصیر حتی در جرائم زیست محیطی محدودیت‌هایی وجود دارد، که این محدودیت‌ها مانع استفاده گسترده از این نهاد خواهد شد، بنابراین اگر بخواهیم بازدارندگی را به عنوان یکی از خصیصه‌های مطلوب و از جمله اهداف توجیه کننده مسئولیت مطلق در نظر بگیریم، باید به اندازه ضروری و کافی از این نهاد استفاده گردد. برخی از حقوقدانان در بحث بازدارندگی تحمیل مسئولیت مطلق از حیث مدنی، تحلیل نموده‌اند که «در مواردی که عامل زیان می‌تواند مانع وقوع زیان شود، ممکن است قاعدهٔ مسئولیت محض، اثر مطلوبی داشته و او را به رعایت احتیاط ترغیب نماید، اما چنانچه احتیاط عامل زیان و زیان‌دیده برای جلوگیری از وقوع زیان ضروری باشد، اعمال تقصیر یا مسئولیت محض رقابتی، آثار مطلوب‌تری در پی دارد. چنین تحلیلی، این امکان را فراهم می‌کند تا پیش از وضع قاعده و ضمن توجه به ملاحظات مختلف، آثار احتمالی قاعده بر رفتار افراد و مطلوب یا نامطلوب بودن آن را بررسی و برای رفع اثرات آن تدابیری اتخاذ نمود» (طهماسبی، علی پور، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹) به نظر می‌رسد چنین برداشتی در حقوق کیفری نیز از جهاتی قابل توجه بوده و می‌توان پذیرفت که مسئولیت مطلق وقتی می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده مناسب مورد توجه قرار گیرد، که فرد عملاً توان و امکان رعایت جوانب احتیاط و یا به عبارت دقیق‌تر جلوگیری از حادثه را داشته باشد، در غیر اینصورت تحمیل مسئولیت مطلق غیر عادلانه خواهد بود. با این حال نباید تصور کرد که مسئولیت مطلق را لزوماً با هدف

بازدارندگی در جرائم زیست محیطی اعمال می‌نماییم، زیرا در بسیاری از موارد مسئولیت مطلق با اهداف دیگری همچون دشواری‌های اثبات و احراز رکن روانی و یا اهمیت دادن به مسائل زیست محیطی و برخوردی قاطع با مرتکبین این جرائم، در نظر خواهیم گرفت.

#### پیچیدگی‌های احراز رکن روانی در جرائم زیست محیطی

همانگونه که در حقوق مسئولیت مدنی برای جبران خسارت‌های ناشی از محیط زیست، برخی حقوق‌دانان پذیرش نظریه سنتی مسئولیت مدنی، یعنی همان مسئولیت مدنی مبتنی بر احراز رابطه تقصیر، را عملاً غیر ممکن می‌دانند و اینگونه استدلال می‌کنند که: «در واقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات زیست محیطی را دشوار می‌نماید چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست محیطی برخلاف سایر حوزه‌ها مشکل است. این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست محیطی، تکثر آلوده‌کنندگان یا آلوده‌کنندگان متعدد، انگیزه پایین قربانیان خسارات زیست محیطی و مشکلات مربوط به اثبات رابطه سببیت است.» (فهیمی، مشهدی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۶) به نظر می‌رسد در عرصه تحمیل مسئولیت کیفری در زمینه بسیاری از جرائم زیست محیطی نیز، این مشکل وجود دارد و به همان دلایلی که در بالا ذکر گردید، عملاً اثبات تقصیر در این جرائم بسیار دشوار است. ضمن اینکه هرگونه تردیدی در امور کیفری در رابطه با وجود یا عدم وجود رکن تقصیر نیز، بر مبنای اصل برائت به نفع متهم تفسیر می‌گردد و عملاً در این جرائم غالباً قضات به راحتی نمی‌توانند رکن روانی را اثبات و احراز نمایند. از طرف دیگر بسیاری از جرائم زیست محیطی با نوعی بی احتیاطی یا بی مبالاتی همراه است که اگر بنا باشد که این بی احتیاطی و بی مبالاتی به نوعی اثبات گردد، در غالب موارد وقت و انرژی فراوانی برای احراز این امر لازم است که فرایند دادرسی‌های مربوط به جرائم زیست محیطی را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد، حال آنکه به دلیل اهمیت‌های فوق العاده‌ای که مساله محیط زیست و حفاظت از آن وجود دارد، بهتر است که فرض بر تقصیر گذاشته شود و اثبات فقدان آن بر عهده متهم باشد و این مساله می‌تواند مشکل پیچیدگی‌های اثبات رکن روانی توسط مقامات تعقیب و دادرسی را نیز حل نماید. به عنوان مثال ممکن است یک صاحب کارخانه‌ای که با فعالیت‌های خود باعث ایجاد آلودگی هوا می‌گردد، زمانی که در معرض

اتهام قرار گیرد، با ارائه اسناد مربوط به بازدیدهای دوره‌ای و یا اسناد و مجوزات استانداردهای سابق، در پی فرار از مجازات‌های مربوطه باشد و آنگاه این وظیفه مقامات تعقیب و یا دادگاه است که باید بتواند ثابت نماید، که صاحب این کارخانه در نظارت و کنترل و بازرسی‌های ضروری و رعایت استانداردهای لازم در این زمینه موارد احتیاطی را رعایت ننموده است و بنابراین مقصر شناخته می‌شود و با توجه به محدودیت‌هایی که هم از نظر زمانی و هم از نظر هزینه‌ای و کمبود منابع انسانی در دادگاهها وجود دارد، عملاً این مساله غالباً در جرائم زیست محیطی ممکن نخواهد بود و شاید به همین دلیل است که بهتر اسیت در چنین مواردی با تحمیل مسئولیت مطلق و فرض تقصیر، به متهم این فرصت داده شود تا بتواند فقدان تقصیر را اثبات نماید و از مسئولیت معاف گردد. از طرف دیگر غالب جرائمی که در زمینه محیط زیست اتفاق می‌افتد به دو دلیل عمده عملاً احراز رکن روانی در آنها امکانپذیر نخواهد بود که این دو دلیل عبارتند از: شرکتی بودن این جرائم و افزایش استانداردهای لازم و ضروری مربوط به محیط زیست، که در زیر به صورت مختصر به این دو عامل پرداخته خواهد شد:

### **شرکتی بودن جرائم زیست محیطی**

یکی از مسائلی که می‌تواند اثبات و احراز رکن تقصیر را در جرائم حوزه محیط زیست دشوار سازد، شرکتی بودن این جرائم است. به عبارت دیگر امروزه صاحبان کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ که اقدام به فعالیت‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله، استخراج و پالایش نفت و گاز، تولیدات صنعتی، پتروشیمی، کشاورزی، مواد شیمیایی و میکروبی، دارو و ... می‌نمایند که چنین فعالیت‌های موجبات ضرر و خسارت به محیط زیست را فراهم می‌آورد و در بسیاری از موارد خود دولت نیز در این مساله نقش اساسی دارد. به عنوان مثال در بسیاری از کشورهای در حال توسعه حتی نهادهایی دولتی نیز اقداماتی نظیر واریز فاضلاب شهری به دریا، از بین بردن درختان برای احداث راهها و توسعه شهرها و کارخانجات و ... انجام خواهد شد. همچنین بسیاری از تاسیسات صنعتی بزرگ که منشاء بسیاری از آلودگی‌ها هستند، وابسته به دولت هستند. «عده‌ای استدلال می‌آورند جرم آفرین‌ترین عاملان آسیب محیط زیستی در یک اقتصاد سیاسی سرمایه

داری جهانی، اعضای طبقه سرمایه دار عامل، در بافت نهادینه شرکت‌های فراملی هستند. معمولاً کنکاشگاه سازمانی که طبقات حاکم در آن حکومت می‌کنند، کنکاشگاه شرکت است. شرکت نهاد ویژه‌ای است که از همان آغاز برای ایجاد فاصله در بین افراد تصمیم‌گیرنده و افراد مسئول این تصمیم‌ها منظور شده است. بنابراین قالب شرکت خود ماهیتی جرم آفرین دارد.» «از آنجا که شرکت برای اندیشیدن و عمل کردن به دیگران نیاز دارد، نمی‌تواند به خاطر جرم کیفری گناهکار شناخته شود. هیچ خطاکاری که نیت اش برای ارتکاب یک فعل غیر قانونی اثبات شدنی باشد، وجود ندارد. علی‌الظاهر هیچ کس، نه مدیریت ارشد، نه سهامداران و نه شرکت مسئول نیست. قانون مجبور است جهت رسیدگی به این مساله از بهانه دیگری استفاده کند، یعنی هنگامی که ذهنیت و اراده عمل شرکت نشانگر نیت خطاکارانه باشد قانون از جنبه کیفری شرکت را مسئول می‌داند و تصریح آن در یک شرکت بزرگ بی‌نهایت دشوار است.» (وایت، ۱۳۹۴، ص ۱۵۵ و ۱۵۶). بنابراین با توجه به نقش بسیار مهم اشخاص حقوقی اعم از شرکتهای و دولت و غیره که در وقوع جرائم مهم علیه محیط زیست دارند، برخی اعتقاد دارند که به طور کلی مسئولیت مطلق بر اعمال مقرراتی اداری و انتظامی علیه شرکتهای، تمرکز دارد. (کلارکسون، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴). به هر حال مداخله شرکتهای و کارخانجات از جهات متعددی باعث می‌گردد که امکان احراز رکن روانی جرائم زیست محیطی با دشواری روبرو گردد. به ویژه در شرکتهای بزرگ و مخصوصاً دولتی که مدیران مختلفی ممکن است در آن فعالیت کنند و به راحتی نتوان عنصر تقصیر را به هر یک از آن مدیران نسبت داد. به همین دلیل است که حقوقدانان معتقد هستند که در برابر خطاکاری شرکت‌ها، به سهولت بیشتری می‌توان از شرط قابلیت سرزنش صرف‌نظر نمود و مسئولیت مطلق را بر آن شرکتهای تحمیل نمود و شرکت به صورت نیابتی مسئول اعمال مجرمانه و خطاکاری کارمندان خود خواهد بود، بدون اینکه نیازی به اثبات تقصیر از سوی کسی وجود داشته باشد. (کلارکسون، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴).

در شرکتهای دو عامل اساسی وجود دارد که ممکن است احراز رکن روانی را با مشکل مواجه سازد، یکی اینکه در شرکت‌ها معمولاً انتساب عمل مجرمانه به شخصی معین کار سخت و دشوار است و این امر به ویژه در شرکت‌های بزرگ از اهمیت خاصی

برخوردار است و به همین دلیل است که معمولاً ارتکاب جرم در این شرکتها حتی ممکن است به صورت جمعی ارتکاب یابد و حتی نظریه‌ای تحت عنوان «تجمع در این زمینه پیش بینی گردیده است که بر اساس آن «اعمال جمعی افراد مختلفی در درون شرکت با یکدیگر تلفیق شده و مجموعاً منتهی به قابلیت سرزنشی که برای تحقق جرم لازم است می‌گردند» و دوم اینکه معمولاً نوع مسئولیتی که برای شرکتها و اشخاص حقوقی در نظر گرفته می‌شود، مسئولیت نیابتی است و شرکت همانند انسان نیست که بتوان به راحتی رکن روانی را در اقدامات وی احراز نمود و معمولاً در شرکت‌های بزرگ نیز به دلیل مشخص نبودن عامل اصلی زیان، تحمیل مسئولیت به صورت اعتباری است و شاید به همین دلیل است که بهتر است در شرکتها از مسئولیت بدون تقصیر و یا همان مسئولیت مطلق استفاده گردد. (کلارکسون، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴).<sup>۱</sup> بنابراین همانگونه که بیان گردید: «تنها با اعمال مسئولیت مطلق بر خود شرکت، قانون می‌تواند به درستی به اجرا گذاشته شود. به علاوه، برخی از شرکتها در قلمروهای دارای آنچنان خطر بالقوه اجتماعی فعالیت می‌کنند و از آنچنان قدرتی (از لحاظ منابع اقتصادی و نفوذ) برخوردارند که در نظر گرفتن

---

۱ - در خصوص مسئولیت کیفری شرکتها و اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران تا قبل از قانون مربوط به جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸، مقررات بسیار پراکنده‌ای وجود داشت به گونه‌ای که نمی‌توانستیم به صورت مشخص بگوییم که آیا اشخاص حقوقی دارای مسئولیت کیفری بودند یا خیر هرچند در برخی از مقررات همانند ماده واحده مربوط به ضبط اموال احزابی که منحل می‌شوند مصوب ۱۳۲۸، قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹، قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی مصوب ۱۳۳۴، قانون تجارت ۱۳۱۱، قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷، قانون الزام شرکتها و مؤسسات ترابری به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه ۱۳۶۸ به صورت غیر نظام مند، از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی سخن گفته بود ولیکن برای اولین بار در مواد ۱۹ تا ۲۳ از قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ به صورت خاص و در زمینه جرائم رایانه‌ای و در سال ۱۳۹۲ نیز در قانون مجازات اسلامی و در مواد ۱۴۳ و ۲۰ تا ۲۲ نیز به صورت فراگیر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد توجه قرارداد. بنابراین در حال حاضر اگر یک شخص حقوقی مرتکب یکی از جرائم زیست محیطی گردد، می‌توان بر اساس مواد مذکور و البته قوانین خاص دیگری که جرم انگاری را در حوزه محیط زیست انجام داده‌اند، مجازات گردد.

معیارهای بالاتری از لحاظ مسئولیت کیفری برای آنها، نسبت به افراد عادی، از لحاظ اجتماعی غیر منصفانه نخواهد بود.» (کلارکسون، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴).

### نتیجه گیری

مسأله محیط زیست و بحران‌های زیست محیطی در کشور ایران، با چالش‌های عمیق تر همراه است؛ بسیاری از این چالش‌ها، مربوط به فقدان برنامه ریزی جامع در زمینه حفاظت و حمایت از محیط زیست است. علاوه بر ضعف اساسی در استفاده از ابزارهای حمایتی غیر کیفری برای کاهش آسیب‌های زیست محیطی، ضعف استفاده از ابزارهای حقوق کیفری و ظرفیت‌های آن نیز، مشهود است؛ به گونه‌ای که هم اکنون در اغلب عرصه‌های حقوق کیفری، حمایت جامعی از محیط زیست در نظام حقوقی ایران مشاهده نمی‌شود و از این جهت ضعف‌های مبنایی و ساختاری فراوانی قابل مشاهده است؛ فقدان نظام جامع جرم‌انگاری در حوزه‌ی محیط زیست، پراکندگی قوانین کیفری در زمینه‌ی محیط زیست، عدم تناسب کیفرها با ویژگی‌های این جرایم، ضعف در نظام کیفر گذاری، عدم توجه به شرایط تحمیل مسئولیت به اشخاص حقوقی مداخله‌کننده در جرایم زیست محیطی به ویژه اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیر دولتی، عدم اختصاص مراجع قضایی ویژه برای رسیدگی به جرایم زیست محیطی، ضعف در شیوه مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی‌های زیستی و... از مهمترین ایرادات در نظام کیفری ایران در حوزه‌ی محیط زیست است؛ کارنامه رویه قضایی نیز از این جهت مطلوب نبوده و حمایت مناسبی در مراجع قضایی از مقوله‌ی محیط زیست صورت نگرفته است؛ حال آنکه دادگاهها و مراجع دادرسی با اهمیت دادن به مسائل زیست محیطی و توجه به ابعاد آن و استفاده از ظرفیت‌های موجود، می‌توانند بخشی از ضعف‌های تقنینی را جبران نمایند؛ با دقت نظر در آرای صادره از مراجع قضایی در قلمرو محیط زیست، ملاحظه می‌گردد که دادرسان در بسیاری از موارد به دلیل ضعف‌های قانونی موجود و نیز عدم درک اهمیت مقوله‌ی محیط زیست، آرای در خور شأن این حوزه، صادر نکرده‌اند؛ اگر چه بعضاً در برخی آرای صادره، ملاحظه می‌گردد برخی دادرسان با استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود، آرای جالب و قابل تحسینی در زمینه محیط زیست، صادر نموده‌اند.

در هر حال، به دلیل اهمیت محیط زیست و نیز ویژگی های منحصر به فرد جرایم این حوزه، سیاستگذاران حقوق کیفری، در بسیاری از جوامع، تلاش داشته اند تا رویکرد متفاوتی را نسبت به محیط زیست، اتخاذ نمایند؛ اتخاذ رویکرد افتراقی به موضوع محیط زیست، به این دلیل است که با ساز و کارها و قواعد سنتی و عام حقوق کیفری، نمی توان به بحران های بی شمار در حوزه ی محیط زیست، فائق آمد؛ ضمن اینکه برخی خصوصیات ذاتی این جرایم نیز، مانع از این خواهد بود که بر اساس این قواعد، بتوان جرایم این حوزه و خسارات های زیستی را کاهش داد. بنا بر این در قلمرو جرم انگاری و کیفری گذاری، تقصیر و مسئولیت کیفری، ساختار و مراجع قضایی، تعقیب، تحقیق و دادرسی، رویکرد حقوق کیفری در ارتباط با جرایم زیست محیطی متفاوت است.

یکی از مسائلی که همواره در دادرسی های مربوط به جرایم علیه محیط زیست، با مشکلاتی همراه بوده است، احراز رکن روانی در این جرایم است؛ به عبارت دیگر، اگر چه رکن روانی به طور کلی و حتی در سایر جرایم نیز به دلیل ذهنی و درونی بودن، با چالش های فراوانی همراه است، لیکن در جرایم زیست محیطی این مسأله دارای پیچیدگی های بیشتری است؛ ضعف های بنیایی و ساختاری پیش گفته از یک طرف، فراگیر بودن جرایم زیست محیطی که در نتیجه ی عدم توجه افراد جامعه و نهادهای حکومتی به اهمیت مقوله ی محیط زیست است و نیز چالش های ذاتی مربوط به رکن روانی، از طرف دیگر، شرایط را برای احراز رکن روانی در جرایم زیست محیطی، دشوار نموده است؛ به گونه ای که هم اکنون بسیاری از جرایم ارتكابی در حوزه ی محیط زیست، به دلیل فقدان احراز رکن روانی در مراجع دادرسی، منجر به محکومیت نخواهد شد. ضمن اینکه بسیاری از جرایم زیست محیطی که در مجموعه قوانین مربوطه در کشور ایران پیش بینی شده است، به عنوان جرم عمدی محسوب می شوند که باید رکن روانی در مراجع رسیدگی کننده، احراز گردد. با توجه به اینکه در برخی نظام های حقوقی تلاش گردیده است تا از طرق مختلف، بر این مشکل فائق آیند، لذا مسئولیت مطلق کیفری یا مسئولیت بدون تقصیر به عنوان یک نهاد در جرایم زیست محیطی، به کار گرفته شده است. مسئولیت مطلق کیفری، یکی از ظرفیت هایی است که امروزه نظام های حقوقی، به ویژه کشورهای مبتنی بر نظام

حقوقی کامان لا، از آن در حوزه ی جرایم زیست محیطی، استفاده می نمایند.

مسئولیت مطلق کیفری به معنی نادیده گرفتن و یا مفروض نمودن رکن روانی جرم، نه تنها در جرایم زیست محیطی، بلکه در اغلب جرایم حوزه ی رفاه عمومی، مورد استفاده قرار می گیرد؛ بنا براین با استفاده از این نهاد، دیگر مقامات تعقیب و نیز دادگاهها، تکلیفی در احراز رکن روانی جرم ندارند و بار اثبات فقدان رکن روانی بر عهده متهم خواهد بود و در مواردی نیز ممکن است اساساً حتی اگر متهم فقدان رکن روانی خود را نیز در دادگاه اثبات نماید، تاثیری در محکومیت وی نداشته باشد؛ ضمن اینکه در برخی موارد نیز ممکن است که تنها بخشی از اجزای رکن روانی جرم - مثلاً قسمتی از علم و یا قسمتی از قصد - مفروض قلمداد و یا نادیده گرفته شود؛ بنابراین، احراز قسمت های دیگر رکن روانی جرم، ضروری باشد.

با وجود اینکه در بسیاری از نظام های حقوقی استفاده از نهاد مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی رایج بوده است، لیکن در ادبیات و گفتمان حقوقی کشور ایران، اصطلاح مسئولیت مطلق کیفری یا مسئولیت بدون تقصیر، چندان مورد توجه و استقبال قرار نگرفته است؛ به گونه ای که قانونگذار و بسیاری از دادرسان قضایی نسبت به آن، بیگانه هستند. با اندکی تأمل مشخص می گردد که یکی از دلایل عمده این بی توجهی، عدم تبیین مناسب جایگاه رکن روانی جرم و مولفه های آن، در نظام قانونگذاری و قضایی کشور ایران است.

استفاده از مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی، علاوه بر اینکه می تواند تا حدود زیادی مشکلات مربوط به احراز رکن روانی در این جرایم را بر طرف نماید، از جهات متعددی در پیشگیری و بازدارندگی جرایم زیست محیطی نیز، موثر است؛ به گونه ای که استفاده از مسئولیت مطلق کیفری، ریسک ارتکاب جرم را به صورت چشمگیری بالا برده و اشخاص حقیقی و به ویژه حقوقی را مجاب می نماید تا در انجام فعالیت های مرتبط با محیط زیست، تمام احتیاط های لازم را در نظر بگیرند، چه در غیر اینصورت حتی اگر هیچگونه قصد، اهمال و یا سهل انگاری در ایجاد خسارت به محیط زیست را نیز، نداشته باشند، باز هم ممکن است با یک محکومیت کیفری مواجه شوند. پذیرش مسئولیت



مطلق کیفری نه تنها باعث افزایش بازدارندگی در جرایم زیست محیطی می گردد، بلکه با اصول مهم و بین المللی حاکم بر محیط زیست همانند اصل احتیاط، اصل پیشگیری، اصل پرداخت آلوده ساز و اصل مشارکتی نیز همسو می باشد.

تحمیل مسئولیت به صورت مطلق در جرایم زیست محیطی، زمانی دارای اهمیت بیشتری خواهد شد که بدانیم، بسیاری از جرایم مهم در حوزه ی محیط زیست که منجر به خسارات جبران ناپذیر در ابعاد وسیع می گردد، توسط شرکت ها و به طور کلی اشخاص حقوقی واقع می شود، که در بسیاری از موارد این شرکتها دولتی و یا عمومی غیر دولتی محسوب می گردند؛ با توجه به ساختار پیچیده این شرکتها و نیز عدم احراز رکن روانی اعم از عمد و یا خطا و به تبع آن عدم تحمیل مسئولیت کیفری به صاحبان و مسئولان این شرکت ها، زمینه برای وقوع بحران های عمیق تر فراهم می گردد؛ حال آنکه تحمیل مسئولیت به صورت مطلق می تواند بدون در نظر گرفتن و احراز خطاکاری، مسئولین این شرکتها و نیز مرتکبین مستقیم جرایم زیست محیطی را، مجازات نماید و از این جهت محیط زیست را تحت پوشش حمایتی خویش قرار می دهد.

تحمیل مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی، اگرچه در سطح گسترده و در تمامی مصادیق جرایم زیست محیطی ممکن نباشد، لیکن می توان با توجه به نوع جرم، درجه ی اهمیت آن، گستردگی خسارات وارده، میزان مجازات تعیین شده در قانون، میزان توانایی مرتکب در جلوگیری از جرم واقع شده و میزان تلاش مرتکب در کاهش خسارات واقع شده، الگوی مناسبی را از مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی، طراحی نمود؛ در برخی از این جرایم می توان از فرض تقصیر استفاده نمود و در برخی دیگر می توان رکن روانی را به صورت کامل و یا جزئی نادیده گرفت.

با وجود تمام امتیازاتی که مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی دارد، پذیرش این نهاد در جرایم زیست محیطی ممکن است با مشکلاتی همراه باشد که باید تلاش نمود تا این مشکلات کاهش یابد و زمینه برای تاثیر گذاری مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی، فراهم شود؛ مسائلی همچون فراگیر بودن جرایم زیست محیطی در سطح جامعه، مداخله دولت در وقوع جرایم زیست محیطی، خطر کاهش

سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف به دلیل اعمال سیاست سخت گیرانه مسئولیت مطلق، فراوانی قواعد و مقررات ناظر بر استانداردهای زیست محیطی و فقدان امکانات و زیر ساخت‌های مناسب برای رعایت این استانداردها که به تبع عدم رعایت، تحمیل مسئولیت مطلق کیفری را به دنبال دارد، از مهمترین موانع احتمالی در مسیر پذیرش مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی خواهد بود؛ مهمترین راهکارهایی که می‌توان تا جای ممکن این موانع احتمالی را برطرف نمود عبارتند از: پذیرش مسئولیت کیفری دولتها در زمینه محیط زیست و بازنگری قوانین موجود در این زمینه، ایجاد نظارت‌های مستمر بر فعالیت‌های نهادهای تولیدی، توجیه نهادها و افراد فعالیت کننده در ارتباط با محیط زیست در هنگام اعطای مجوز و...

در مجموع می‌توان گفت، برای حل مشکلات و بحران‌های زیست محیطی، قانونگذار باید سیاستی را اتخاذ نماید تا قوانین پراکنده این حوزه در یک قانون جامع حفاظت از محیط زیست، تجمیع گردد؛ در زمینه حمایت کیفری از محیط زیست، قانونگذار ضمن تعریف و تبیین مفهوم جرم زیست محیطی در چارچوب اصول حمایتی محیط زیست، با وضع مقررات حمایتی ویژه در زمینه محیط زیست، زمینه حفاظت هر چه بیشتر از محیط زیست را فراهم نماید؛ از این رو تا زمانی که ابتدائاً قانونگذاری در زمینه حمایت از محیط زیست اصلاح و بازنگری نگردد، در رویه قضایی شاهد تحولات مثبت چندانی در این زمینه نخواهیم بود.

از طرف دیگر برای حل معضلات قضایی فراروی جرایم زیست محیطی نیز، باید تلاش گردد تا ضمن اختصاص دادگاههای ویژه، چه به صورت مراجع اختصاصی رسیدگی به جرایم زیست محیطی و چه با تعیین شعب تخصصی از دادگاههای کیفری برای رسیدگی به جرایم زیست محیطی، بدین وسیله با تربیت قضات متخصص در این زمینه، حمایت گسترده از محیط زیست ایجاد شود؛ بدون تردید هر گونه تحول در زمینه رویه قضایی می‌تواند تاثیر بسیار مثبتی را در زمینه حمایت از محیط زیست و به تبع آن، کاهش بحران‌های زیست محیطی، به همراه داشته باشد.

برای تحمیل مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی، ضروری است تا ابتدا

در گفتمان های حقوقی به این موضوع توجه و تاکید گردد و در مراحل بعدی ضرورت دارد تا قانونگذار با شیوه های متداول به مقوله ی محیط زیست، اهمیتی خاص داشته باشد؛ همانگونه که در نظام های حقوقی دنیا ابتدا نا دادگاهها تلاش نمودند تا نهاد مسئولیت مطلق کیفری را مورد شناسایی قرار دهند، در نظام قضایی کشور ایران نیز، دادرسان در جایی که قانون ساکت است، می توانند با بررسی قرائن موجود و نیز اهمیت ذاتی جرایم علیه محیط زیست، در مواردی که زمینه برای تفسیر مسئولیت مطلق کیفری در جرایم زیست محیطی فراهم است، تلاش نمایند این نهاد را مورد استفاده قرار دهند، تا بدین وسیله جایگاه این نهاد به رسمیت شناخته شود؛ امید است با اهتمام ویژه قانونگذار و مراجع قضایی به مقوله مسئولیت مطلق کیفری و ایجاد بسترهای لازم برای استفاده از آن در جرایم علیه محیط زیست، زمینه ی کاهش بحران های زیست محیطی و نیز پیشگیری از جرایم علیه محیط زیست فراهم شود.

به نظر می رسد در حال حاضر با توجه به اینکه بسیاری از جرم انگاری ها در نظام حقوقی ایران در خصوص محیط زیست، به گونه ای است که قانونگذار تاکید خاصی بر عمد و یا غیر عمد بودن این دسته از جرایم ندارد، این رسالت دادگاهها است که در ضمن رسیدگی رویه ای را ایجاد نمایند تا بدین وسیله در این جرایم تا جای ممکن از مسئولیت مطلق کیفری استفاده گردد، به ویژه اینکه چنین رویه ای در چهارچوب قواعد و اصول اساسی حاکم بر محیط زیست بوده و باعث تحولی شگرف در زمینه حمایت از محیط زیست خواهد شد.

## فهرست منابع

### الف: منابع فارسی

۱. -پور بافرانی، حسن؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.
۲. -پور بافرانی، حسن؛ حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
۳. -شیلتون، دینا، کیس، الکساندر؛ کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، تحقیق و ترجمه محسن عبدالهی، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
۴. -طیبی، سبحان؛ تبیین جایگاه اصل احتیاط در چارچوب حقوق بین الملل محیط زیست، از مجموعه مقالات رهیافت های نوین در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
۵. -عبدالهی، اسماعیل؛ مسولیت کیفری بدون تقصیر در نظام های حقوقی ایران و انگلستان، چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.
۶. -کیس، الکساندر و دیگران؛ حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن، حبیبی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه ۱۳۹۲.
۷. -مشهدی، علی؛ حقوق آلودگی هوا (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
۸. -مشهدی، علی؛ حق بر محیط زیست سالم: الگوی ایرانی فرانسوی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
۹. -مشهدی، علی؛ ترمینولوژی حقوق محیط زیست، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
۱۰. -وایت، رابرت داگلاس؛ جرائم علیه طبیعت، جرم شناسی محیط زیست و عدالت زیست محیطی، ترجمه پیمان نمایان و سجاد طیبی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
۱۱. -ولیدی، محمد صالح، حقوق جزا، مسولیت کیفری، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۱۲. -طهماسبی، علی؛ علی پور، کوروش؛ اثر تقصیر و مسولیت محض در ترغیب عامل زیان و زیان دیده به رعایت احتیاط، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴، ۱۳۹۰.

۱۳. مجله تحقیقات حقوقی بهار، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.

۱۴. - نیاز پور، امیر حسین؛ سرعت بخشی به فرایند کیفری؛ ساز و کار برای پیشگیری از

بزهکاری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸، ۱۳۸۹.

#### پ: منابع انگلیسی

- Kiss, Alexander & Shelton, Dianish *international Environmental law*, transnational publishers, INC, U.S.A. 1991.
- Husak, Douglas N., cit, *Varieties of Strict Liability*, Canadian Journal of Law and 9-Jurisprudence, 1995.
- Gardner, John, *Answering for Crime, Responsibility and Liability in the criminal law*, Hart Publishing, R A- Duff, 2007.
- Schäfer, Hans-Bernd, and Schönenberger, Andreas, *Strict Liability Versus Negligence*, Universität Hamburg, 1999.
- Kenneth W. Simons, *When is Strict Criminal Liability Just*, Journal of Criminal Law and Criminology, 1997.
- Bruce, Larson, , "Environmental Policy Based on Strict Liability: Implications of Uncertainty and Bankruptcy," *Land Economics*, 1996.
- Shavell, S, "A Model of the Optimal Use of Liability and Safety Regulation," *Rand Journal of Economics*, 1985.
- Simester, A.P: *Appraising Strict Liability*, 1st ed, Oxford, Oxford University, 2005.
- Stanton, John, *Strict Liability: Stigma and regret*, Oxford Journal of Legal studies, 2007.
- White, R. *Crimes Against Nature: Environmental Criminology and Ecological Justice*. 2008.
- White, R., *Global Environmental Harm: Criminological Perspectives*, Devon: Willan, Publishing, 2010.

